

بررسی فقهی و حقوقی بطلان و فسخ نکاح در حقوق ایران با رویکرد آسیب‌شناسی آثار آن

سولماز صحرایی کردکندی^۱ / فریده نوزادی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کدمقاله: JHVMN-۲۶۰۶-۱۳۸۵

چکیده

نکاح به عنوان یکی از عقود مهم و پایه‌ای در نظام حقوقی و فقهی ایران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این عقد نه تنها رابطه‌ای حقوقی میان زن و مرد ایجاد می‌کند، بلکه بنیان خانواده و نظم اجتماعی بر آن استوار است. با این حال، وقوع مواردی همچون بطلان یا فسخ نکاح می‌تواند آثار و پیامدهای متعددی بر روابط زوجین و وضعیت حقوقی آنان داشته باشد. بطلان و فسخ نکاح از مفاهیم کلیدی در نظام حقوقی و فقهی ایران است که هر یک آثار متفاوتی بر روابط زوجین و حقوق و تکالیف ناشی از نکاح دارند. بطلان نکاح، که ناشی از عدم تحقق شرایط اساسی صحت عقد است، رابطه زوجیت را از ابتدا بی‌اعتبار کرده و آثار آن را از بین می‌برد، در حالی که فسخ نکاح، انحلال عقد صحیح به دلیل عیوب قانونی یا قراردادی است که از زمان تحقق فسخ اثر می‌گذارد. این پژوهش به بررسی تفصیلی آثار فقهی مانند وضعیت فرزندان، ارث و نفقه و آثار حقوقی مانند استرداد مهریه و عواقب قراردادی می‌پردازد و تفاوت‌های این دو مفهوم را از منظر نظام حقوقی ایران روشن می‌کند. هدف اصلی، ارائه تصویری شفاف از جایگاه و آثار بطلان و فسخ نکاح در حقوق ایران با توجه به مبانی شرعی و قانونی است.

واژگان کلیدی: فقه، حقوق، بطلان، نکاح، سیستم حقوقی ایران.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران. (نویسنده مسئول)
solmazariya13891308@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران.
faride.nozae63@gmail.com



مقدمه

نکاح به عنوان یکی از عقود مهم و پایه‌ای در نظام حقوقی و فقهی ایران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این عقد نه تنها رابطه‌ای حقوقی میان زن و مرد ایجاد می‌کند، بلکه بنیان خانواده و نظم اجتماعی بر آن استوار است. با این حال، وقوع مواردی همچون بطلان یا فسخ نکاح می‌تواند آثار و پیامدهای متعددی بر روابط زوجین و وضعیت حقوقی آنان داشته باشد. بطلان نکاح زمانی رخ می‌دهد که عقد نکاح به دلیل عدم رعایت شرایط اساسی صحت از ابتدا بی‌اعتبار باشد. در مقابل، فسخ نکاح به معنای انحلال عقد صحیح به دلایل مشخصی همچون وجود عیوب خاص یا تخلف از شروط ضمن عقد است. هر یک از این موارد، آثار متفاوتی در زمینه‌هایی مانند مهریه، نفقه، ارث، و وضعیت فرزندان به همراه دارد. (صفایی: ۱۳۵۰: ۸۲) این پژوهش با هدف بازشناسی آثار فقهی و حقوقی بطلان و فسخ نکاح، به تحلیل و تبیین مبانی شرعی و قانونی این دو مفهوم می‌پردازد و تأثیرات آن‌ها را در ساختار حقوقی و اجتماعی خانواده بررسی می‌کند. اهمیت این مطالعه در آن است که ضمن روشن‌سازی تفاوت‌های موجود بین بطلان و فسخ، به قضات، وکلا و حقوقدانان در ارائه راه‌حل‌های منصفانه و مبتنی بر عدالت یاری رساند.

۱- مفهوم‌شناسی

فسخ نکاح، به معنای پایان دادن یک طرفه به عقد نکاح و به دلیل وجود یکی از عیوب مصرح قانونی در هر یک از زن و شوهر می‌باشد. جنون هر یک از زوجین، قرن، جذام، برص، افساء، زمین‌گیری و نابینایی از هر دو چشم، در مورد زن و خصاء، عنن و مقطوع بودن آلت تناسلی، در مورد شوهر، موارد فسخ نکاح، طبق قانون مدنی ایران می‌باشد. عقد نکاح نیز مانند سایر عقود مصرح در قانون مدنی، ممکن است تحت شرایطی پایان یابد. راه‌های پایان دادن به عقد نکاح، مطابق قانون مدنی مشخص شده‌اند. طلاق، فسخ نکاح، بذل مدت و انقضای مدت، موارد پایان دادن به نکاح دائم و موقت بوده که در قانون مدنی، معرفی شده و احکام و مقررات هر یک به تفصیل بیان شده است. (همان: ۸۵)

فسخ نکاح، در ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی، به عنوان یکی از راه‌های پایان دادن به عقد نکاح پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده، عقد نکاح دائم به فسخ از سوی زن یا شوهر، منحل می‌شود. نکته

دارای اهمیت، آن است که احکام و مقررات فسخ نکاح، کاملاً متفاوت از طلاق بوده و در صورت عدم رعایت این مقررات، فسخ نکاح امکان پذیر نمی باشد. فسخ نکاح، در ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی، به عنوان یکی از راه های پایان دادن به عقد نکاح پیش بینی شده است. به موجب این ماده، عقد نکاح دائم به فسخ یا طلاق منحل می شود. بر این اساس، یکی از مواردی که به موجب آن، عقد نکاح می تواند انحلال پیدا کرده و زوجین از هم جدا شوند، فسخ نکاح می باشد. بنابراین، در پاسخ به این سوال که فسخ نکاح چیست؟ می توان گفت، فسخ نکاح، به معنای پایان دادن یک طرفه به عقد نکاح و به دلیل وجود یکی از عیوب مصرح قانونی در هر یک از زن و شوهر می باشد. پس از پاسخ به این سوال که فسخ نکاح چیست، در ادامه به بیان نکات مهم مربوط به فسخ نکاح می پردازیم:

به طور کلی فسخ نکاح، زمانی می تواند مورد تقاضای زن یا مرد قرار بگیرد که یکی از عیوبی که مطابق فقه و قانون مدنی برای هر کدام از آنها شناخته شده اند، وجود داشته باشد. یعنی، فسخ نکاح، فقط در صورتی است که عیوب مذکور در زن یا مرد به اثبات برسد. همانطور که از این ماده، مشخص است، شرایط فسخ نکاح با طلاق متفاوت است و هر کدام از آنها شرایط و آثار ویژه خود را دارند. به عنوان مثال، اگر یکی از زوجین بخواهد ازدواج را فسخ کند، باید یکی از موارد فسخ نکاح را در مورد طرف مقابل به دادگاه ثابت کند، اما در طلاق، اثبات این موارد ضرورتی ندارد. اگر هر یک از طرفین، قبل از عقد بدانند که طرف مقابل، یکی از عیوب مذکور در قانون را دارد دیگر بعد از عقد نکاح، حق فسخ را نخواهد داشت. به دلیل اینکه مبنای ایجاد حق فسخ، آن است که اشخاص، دچار ضرری نادانسته و ناخواسته از جانب طرف دیگر نشوند. حال، اگر خود شخص با علم و آگاهی نسبت به عیوب طرف مقابل، اقدام به انعقاد عقد کرده باشد، دیگر نمی توان حق فسخی را برای او در نظر گرفت. حق فسخ باید فوراً اعمال و اجرا شود. به همین دلیل، در صورتی که یکی از زوجین متوجه بشود که طرف مقابل، دارای یکی از عیوب مذکور در قانون مدنی است، همان وقت باید اقدام به فسخ نکاح کند. به عبارت دیگر، نمی توان پس از گذشت مدت زمان زیادی از عقد ازدواج، عقد را بر مبنای موارد حق فسخ، فسخ نمود. (حائری، ۱۳۹۰: ۷۱)

۱-۱- تفاوت‌های بطلان و فسخ نکاح

الف) در بطلان نکاح Nullity Marriage تنقیذ صریح یا ضمنی عقد ممکن نیست یعنی عقد باطل را نمی‌توان صحیح دانست اما در فسخ نکاح Terminating Marriage عقد غیرنافذ یا قابل فسخ را می‌توان تنقیذ نمود.

ب) در بطلان مرور زمان جاری نمی‌شود اما در فسخ نکاح مرور زمان جاری است.

ج) هرکسی در بطلان نفعی داشته باشد برای صدور حکم بطلان می‌تواند اقامه دعوی کند و راجع به نتایج بطلان می‌توان گفت، عقد باطل چنان است که وجود نیافته باشد، بنابراین هیچ اثر حقوقی بر آن مترتب نیست اما در فسخ نکاح از عدم یا نفوذ یا خیار فسخ فقط شخص یا اشخاصی که این ضمانت اجراء به نفع آنها ایجاد شده است می‌توانند استفاده کنند و همچنین تا قبل از فسخ کلیه آثار یک عقد صحیح وجود دارد. برای بهتر روشن شدن مطلب در این قسمت مواردی که موجب بطلان نکاح می‌شود آورده می‌شود و در فصل دوم به بررسی موجبات فسخ نکاح خواهیم پرداخت. موانع نکاح که در نتیجه موجب بطلان نکاح می‌شوند عبارتند از:

اختلاف جنس: اختلاف جنس داخل در تعریف نکاح است و نکاح شخص جز با جنس مخالف خود مصداق پیدا نمی‌کند و بطلان تخلف از این شرط بدیهی است.

قصد و رضا: معیوب بودن قصد و رضا از موارد عدم نفوذ یا خیار فسخ است ولی فقدان قصد موجب بطلان می‌گردد که این مطلب بطور کلی در ماده ۱۹۵ ق.م. به طریق ذیل بیان شده است «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله بواسطه فقدان قصد باطل است» (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۵۴)

شوهر داشتن و یا عده: به موجب ماده ۱۰۵۰ ق.م. «هرکس زن شوهرداری را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً برای آن شخص حرام مؤبد می‌شود» بنابراین نکاح با زن شوهردار یا زنی که در عده باشد باطل است و اگر شخص عالم بوجود علقه زوجیت بوده و نیز علم داشته که چنین نکاحی حرام است این شخص بعد هم با طرف خود نمی‌تواند ازدواج کند و به عبارت شرعی و قانونی نکاح بین آنها حرام مؤبد است. منظور از مطلقاً در ماده این است که طرفین در آینده

به هیچ وجه نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. حکم نکاحی که از روی جهل به علقه زوجیت یا جهل به حکم واقع شده باشد، در ماده ۱۰۵۱ همان قانون به طریق ذیل بیان شده «حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد، در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود» بنابراین جهل به علقه زوجیت یا به حکم یا به هر دو وقتی علت حرمت ابدی نمی‌شود که نزدیکی صورت نگرفته باشد والا یعنی پس از نزدیکی جهل و علم به امور مزبور تأثیری در حکم ندارد و در هر حال ضمانت اجرا و بطلان و حرمت ابدی است. استیفای عدد در لغت به معنی کامل گرفتن است و استیفای عدد در اصطلاح فقهی آن است که مرد چهار زن دائم داشته باشد، بنابراین ازدواج دائم دیگر مرد موجب بطلان نکاح مجدد است، این منع در قانون مدنی صریحاً ذکر نشده است لیکن طبق عرف و عادت مسلم که مبتنی بر فقه اسلامی است، در محدود بودن تعدد زوجات دائم به چهار زن نمی‌توان شک کرد. (همان: ۱۴۶) زنی که در عده است در حکم زن شوهردار است، بنابراین مطابق مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ ق.م. نکاح با زنی که در عده است صحیح نیست و باطل است. مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق، مطابق قانون ماده ۱۰۵۷ ق.م. «زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می‌شود» این حکم را فقها از ترکیب دو آیه استنباط کرده‌اند یکی آیه «الطلاق مرتان» (آیه ۲۲۹ بقره) و دیگری آیه «فان طلقها فلا تحل له من بعد حتی تنکح زوجاً غیر فان طلقها فلاح جناح علیه این تیراجها» (آیه ۲۳۰ سوره بقره)

کفر: به موجب ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست». پس زن مسلمان نمی‌تواند به نکاح مرد غیرمسلمان درآید ولی بنا بر اصل اباحه چون هر نکاحی ممنوع نباشد مجاز است مرد مسلمان می‌تواند با زن غیر مسلمان ازدواج کند در شرع این ازدواج وقتی صورت پذیر است که زن مشرک نباشد. این منع در قرآن به این ترتیب بیان شده است: «ولا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا...»

احرام: ماده ۱۰۵۳ ق.م. در این خصوص می‌گوید: «عقد در حال احرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است» محرم شخصی است که در لباسی خاص تشریفات معینی را مطابق شرع برای زیارت کعبه بعمل می‌آورد. این شخص تا از حال احرام خارج نشود نمی‌تواند ازدواج کند و حکم

متخلف از این منع، اگر تخلف او بدون علم به حرمت باشد بطلان عقد و با علم به حرمت بطلان عقد و حرمت ابدی نکاح خواهد بود. (بهنود، ۱۳۶۸: ۱۲)

لعان: لعان آن است که مرد زن خود را نسبت به زنا دهد یا فرزند خود را انکار نماید و حرف خود را مؤکد به شهادت خدا و رسول کند زن هم ممکن است شوهر خود را قذف نماید. برلعان آثاری مترتب می‌شود که از آن جمله منع نکاح است. در قانون مدنی ماده ۱۰۵۲ آمده است «تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است» لعان به قول مشهور در عقد منقطع جاری نیست» موضوع لعان در قرآن به این نحو بیان شده است: «والذین یرمون ازواجهم و لم یکن لم شهداء الا انفسهم فشهاده احدهم اربع شهادت بالله انه لمن الصادقین و الخامسة ان لعنه الله علیه ان کان من الکاذبین. (۱۰) (آیه ۶ و ۷ سوره نور)

نتایج بطلان: بر نکاح باطل چون نزدیکی واقع شده باشد و خواه نشده باشد اصولاً نتیجه‌ای مترتب نیست یعنی هیچ یک از طرفین از احکام نکاح و حقوقی که از آن ناشی می‌شود نمی‌توانند استفاده کنند. با وجود این قانون‌گذار در بعضی از موارد مثلاً در موردی که زن یا مرد یا هر دو جاهل به شرایط نکاح بوده‌اند در پاره‌ای از احکام مثل نسب (م ۱۱۶۱ ق.م) و مهر (م ۱۰۹۸ - ۱۰۹۹ ق.م) وارث (م ۸۸۲ و ۸۸۴ ق.م) ارفاقی درباره شخص جاهل قائل می‌شود. (بهنود، ۱۳۶۸: ۳۷)

فسخ نکاح یکی از موارد انحلال نکاح است که تفاوت‌هایی با طلاق دارد. طلاق، عمل حقوقی که انجام آن منوط به تشریفات خاص است، مثل اجرای صیغه مخصوص و حضور دو شاهد عادل (مرد) ولی فسخ نکاح تنها به اراده صاحب حق انجام می‌پذیرد. (ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی). طلاق در صورتی درست است که شرایط خاص در زن موجود باشد ولی به موجب ماده ۱۱۳۲ قانون مدنی رعایت این ترتیب در فسخ نکاح شرط نیست. به عنوان مثال فسخ نکاح در دوران عادت زنانگی و نفاس زن ممکن است. در حالی که طلاق زن در این دوران درست نیست. (ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی) پیش از وقوع طلاق باید از دادگاه حکم یا اذن گرفته شده ولی فسخ نکاح نیاز به این اقدام ندارد و رسیدگی دادگاه محدود به احراز وجود حق فسخ است و تکلیفی در باب اصلاح زوجین و ارجاع به داوری ندارد.

طلاق مخصوص نکاح دائم است ولی موارد فسخ نکاح در دائم و منقطع یکسان است (مواد ۱۱۵۲ و ۱۱۵۳ قانون مدنی). طلاق عمل حقوقی یک جانبه (ایقاع) است که به وسیله شوهر یا نماینده قانونی او (دادگاه) انجام می شود در حالی که فسخ ممکن است به وسیله شوهر یا زن واقع شود. در طلاق رجعی شوهر می تواند در زمان عده به نکاح رجوع کند، اما در فسخ نکاح امکان رجوع وجود ندارد و تشکیل دوباره خانواده جز با نکاح جدید ممکن نیست. در صورتی که مرد پیش از نزدیکی زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهریه است (ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی) ولی هرگاه عقد نکاح به جهتی قبل از نزدیکی فسخ شود، زن حق مهریه ندارد، مگر در صورتی که موجب فسخ، عنن باشد که زن مستحق نصف مهریه است. (ابوزهره، ۱۳۶۹: ۷۷)

فسخ نکاح هر چند بار که بین زن و مرد اتفاق افتد ایجاد حرمت نمی کند. با این اوصاف هم فسخ نکاح و هم نکاح موجب انحلال عقد نکاح شده و از نظر عده زن بعد از انحلال تفاوتی با هم ندارند. گفتنی است که خیار فسخ (اختیار برهم زدن نکاح) فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع و به محض آن به علت فسخ، نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط می شود، به شرط آنکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد. تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده به نظر عرف و عادت است (ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی) همچنین خیار فسخ قابل اسقاط است اما به ارث منتقل نمی شود (ماده ۴۴۸ قانون مدنی) چرا که در اثر موت نکاح منحل می شود و دیگر موردی برای فسخ آن یا به ارث رسیدن حق فسخ باقی نمی ماند. فسخ نکاح نیاز به رضایت طرفین ندارد و کسی که حق فسخ دارد می تواند یک طرفه آن را انجام دهد. فسخ کننده باید بالغ، عاقل و رشید باشد. (همان: ۸۰)

۱-۲- مبانی فقهی و قانونی بطلان و فسخ نکاح

عقد نکاح یکی از اعمال حقوقی است که به علل ارادی یا غیر ارادی منحل می گردد. از عوامل ارادی در انحلال ازدواج فسخ و بطلان عقد نکاح می باشد. از نظر قانون گذار فسخ خیاری است که برای یکی از متعاقدين یا هر دو مقرر داشته تا با توسل به آن عقد صحیح را بهم بزنند. قانون مدنی در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ به خیار عیب پرداخته است و در ماده ۱۱۲۸ نیز به بیان خیار تدلیس و تخلف از شرط صفت پرداخته است. طبیعتاً حکم مقرر در قانون مدنی در مورد حق فسخ برای زن و مرد تبعیض آمیز به نظر می رسد و توجیه منطقی هم برای آن به نظر نمی رسد، چگونه می توان، این

امر را توجیه کرد که مرد با وجود اینکه اختیار طلاق را در دست دارد و طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی هر وقت بخواهد می‌تواند زن خود را طلاق دهد، در صورت مبتلا بودن زن به امراض و عیوبی چون جذام و برص، و نابینایی و زمین‌گیری می‌تواند از طریق سهل‌تر فسخ نیز استفاده کند ولی زن که اختیار طلاق را هم در دست ندارد در صورت مواجه شدن با شوهر جذامی که بیماری خطرناک و مسری دارد یا شوهر نابینا و زمین‌گیر که طبعا در مدیریت او نسبت به خانواده و تامین معیشت اثر منفی دارد، نتواند از این حق فسخ استفاده کند و ناگزیر باشد با آن وضع بسازد. به نظر می‌رسد مشهور فقها با توجه به اصل لزوم در عقد و وضعیت خاص نکاح که آن را از دیگر عقود متمایز می‌کند و حتی الامکان باید پایدار باشد. (ابوزهره، ۱۳۶۹: ۸۵)

۲- شرایط تحقق بطلان و فسخ نکاح

شرایط فسخ نکاح یا باطل شدن عقد دائم در قانون، عبارت است از عیوبی در زن و عیوبی در مرد که به واسطه وجود آن‌ها زن یا مرد می‌تواند با مراجعه به دفتر خدمات الکترونیک قضایی دادخواست فسخ نکاح را تنظیم و ثبت کند. در ضمن این دادخواست باید وجود یکی از عیوبی که به واسطه وجود آن نکاح فسخ می‌شود را آورد و آن را در دادگاه اثبات نمود.

۲-۱- شرایط بطلان نکاح

عقد باطل عقدی است که شرایط لازم برای صحت را نداشته باشد. بطلان نکاح زمانی مطرح می‌شود که پس از نکاح یکی از زوجین مدعی باشد ازدواجی که صورت گرفته به جهتی از جهات قانونی و یا شرعی باطل است و شرایط لازم برای صحت را ندارد. عقد نکاح ممکن است به دلایل مختلفی باطل گردد که از جمله این شرایط عبارتند از:

۱- عدم رعایت شرایط اساسی عقد نکاح: عقد نکاح نیز مانند تمامی عقود شرایطی دارد که رعایت آن‌ها موجب صحت عقد نکاح می‌شود. قانونگذار در مواد ۱۰۶۲ تا ۱۰۷۰ قانون مدنی به بیان شرایط صحت نکاح پرداخته است. برای صحت عقد نکاح نیاز است که یک پیشنهاد (ایجاب) و یک قبول وجود داشته باشد و به الفاظی باشد که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج بنماید. که این امر از طریق خواندن خطبه عقد محقق می‌شود. (ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی)

اگر انگیزه اصلی از نکاح، نامشروع باشد، مثل فرار از خدمت سربازی یا ترک تابعیت، و قصد واقعی زناشویی وجود نداشته باشد، نکاح باطل است. زن و شوهر باید به نحوی تعیین گردند که برای هیچ یک از طرفین شبهه وجود نداشته باشد. اشتباه در هویت جسمی، یعنی آنکه شخص دیگری به جای شخص مورد نظر طرف عقد واقع شده باشد، مانع توافق بوده و موجب بطلان عقد می‌گردد. تعلیق در عقد موجب بطلان است، مانند اینکه بیان شود اگر امری محقق شود شما زن من هستید. اگر عقد نکاح به اجبار واقع شود و رضایتی وجود نداشته باشد، نکاح باطل است. عدم تعیین مهر و مدت در نکاح موقت، موجب بطلان عقد است. در مواد ۱۰۴۵ تا ۱۰۶۱ قانون مدنی به موانع نکاح پرداخته شده است. طبق ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر بالا برود، نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود، نکاح با برادر و خواهر و اولاد آن‌ها تا هر قدر که پایین برود، نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات، ممنوع است. خویشانی که نکاح با آن‌ها به علت رابط ممنوع است، محارم نامیده می‌شوند.

۲- شرط مبطل ضمن عقد نکاح

بر اساس ماده ۲۳۳ قانون مدنی شرط خلاف مقتضای عقد باطل و موجب بطلان عقد است. پس اگر ضمن عقد نکاح شرطی قید شود که خلاف مقتضای عقد باشد، موجب بطلان عقد است. دعوای بطلان نکاح در دادگاه خانواده مطرح می‌گردد و اگر خواهان پرونده زوج باشد باید در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه دعوا نماید ولی اگر خواهان پرونده زوجه باشد می‌تواند در دادگاه محل اقامت خود یا محل اقامت خوانده دعوا را مطرح نماید.

۲-۲- شرایط فسخ نکاح

مطابق با ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی ایران، عقد دائم به فسخ یا به طلاق و عقد منقطع به پایان مدت یا بذل مدت منحل می‌شود و زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شوند. در قانون مدنی ایران تفاوت‌هایی میان فسخ ازدواج و طلاق وجود دارد. برای فسخ ازدواج باید شرایطی مثل بیماری‌هایی که مختص زن یا مرد است و زوجین هنگام عقد از آن بی‌اطلاع بوده‌اند وجود داشته باشد یا صفتی که شرط این ازدواج بوده است و بعد از عقد معلوم شود که اصلاً وجود ندارد. در صورت وجود چنین وضعیتی در عقد دائم می‌توان آن را به واسطه فسخ، باطل کرد، یعنی زن یا مرد در صورت وجود شرایط معینی می‌توانند

بدون رعایت مقررات و تشریفات خاص طلاق، عقد دائم را فسخ یا باطل کنند یا بر هم بزنند. (شایگان، ۱۳۹۹: ۲۱۱) موارد فسخ نکاح یا باطل شدن عقد دائم در قانون و شرع مقدس اسلام بیان شده است عیوبی که زن به واسطه وجود آن حق فسخ دارد و عیوبی که مرد به واسطه وجود آن در زن حق فسخ دارد که عبارت است از:

عیوبی که زن به واسطه وجود آن حق فسخ دارد. خصاء، که همان معنای اخته بودن مرد را می دهد. عنن یا ناتوانی جنسی مرد و وجود مشکل در دستگاه تناسلی او. اگر ناتوانی جنسی مرد پس از عقد نیز برای او اتفاق بیافتد باز هم زن می تواند فسخ نکاح را از دادگاه بخواهد / جنون مرد که در این مورد هم حتی اگر مرد پس از عقد مجنون شود از موجبات فسخ نکاح برای زن خواهد بود. عیوبی که مرد بواسطه وجود آن در زن حق فسخ دارد. (همان: ۲۱۵)

۲-۳- مصادیق بطلان و فسخ نکاح در قوانین ایران

فسخ Cancellation که در زبان فرانسه به آن Resolution گفته می شود، ایقاعی است از ایقاعات که دارای خصوصیات ذیل است:

الف) اثر عقد معین یا ایقاع معین را از بین برده و به حالت زمان حدوث عقد یا ایقاع (در حدود امکان و قدرت) برمی گرداند این اختلاف است که فسخ از حین وقوع عقد مؤثر است (در عقود و به تبع در ایقاعات نیز) یا از حین فسخ. ثمره اختلاف در نمائات حادث بین عقد و ایقاع و زمان فسخ ظاهر می شود. نظر راجح این است که فسخ از حین فسخ عقد مؤثر است.

ب) فسخ اختصاص به عقود ندارد به همین جهت فقها رجوع در عده را فسخ طلاق نامیده اند و طلاق از ایقاعات است.

ج) طلاق و بذل مدت را با وجود شباهت به فسخ از تحت ماهیت فسخ خارج کرده اند به همین جهت در باب طلاق بین فسخ و طلاق و بذل مدت فرق نهاده اند. (ماده ۱۱۲۰ و ۱۱۳۲ ق.م)

د) آثار برگشت عقد توسط فسخ باید به وسیله یک طرف عقد باشد و اگر به توافق طرفین این کار صورت پذیرد آن را اقاله نامند نه فسخ و اسم دیگر اقاله تفاسخ است. (ماده ۲۸۳ ق.م)

ه) انحلال عقد یا ایقاع از طریق فسخ بدست یکی از متعاقدين (در عقود) است اگر این انحلال قهری و به حکم قانون باشد آن را انفاسخ گویند. (ماده ۹۵۴ ق.م) فسخ یکی از اسباب سقوط تعهدات است

(مانند انفساخ و طلاق و بذل مدت) بنابراین اسباب سقوط تعهدات منحصر به آنچه که در ماده ۲۶۴ ق.م. گفته شده نیست. اصطلاح Resiliation در فسخ عقد مستمر (مانند اجاره) به کار رفته و از حین فسخ مؤثر است و همچنین در معنی اقاله هم به کار می‌رود و لغت Rescission برای ابطال یک عمل حقوقی به تصمیم دادگاه به کار رفته است. لغت Revocation به معنای رجوع است، لغت Resolution به فسخ به معنای مذکور در قانون ما نزدیکتر است در حقوق فرانسه این نوع فسخ از حین عقد مؤثر است یعنی عطف به ماسبق می‌کند و معلول عدم اجرای شروط یا تعهدات است. این حق ممکن است ناشی از شرط ضمن عقد و یا تصمیم دادگاه و یا حکم قانون باشد. (جعفری، ۱۳۶۸: ۳۳) نکاح به عنوان مهم‌ترین عقد در حقوق خانواده، نیازمند بررسی دقیق از منظر فقهی و حقوقی است تا آثار ناشی از آن، به ویژه در موارد بطلان یا فسخ، روشن شود. نظام حقوقی ایران باید به این موارد بیشتر توجه کند. علی‌رغم اشاره به بطلان و فسخ نکاح در قوانین مدنی ایران، تمایز دقیق آثار آن‌ها، به‌ویژه در موضوعات مالی و حقوقی، کمتر مورد پژوهش جامع قرار گرفته است. آثار بطلان و فسخ نکاح نه تنها بر زوجین، بلکه بر فرزندان، خانواده‌ها و جامعه تأثیرگذار است. پژوهش در این زمینه می‌تواند راهکارهایی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی ارائه دهد. بر اساس پژوهش، بازنگری در مواد مرتبط با بطلان و فسخ نکاح در قانون مدنی، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با حقوق زوجه، فرزندان و شرایط ضمن عقد، می‌تواند منجر به ارتقای عدالت و کاهش تعارضات شود. در پایان، مطالعه عمیق‌تر و اصلاح قوانین مرتبط با بطلان و فسخ نکاح، ضمن ایجاد هماهنگی بیشتر میان فقه و حقوق، به تقویت بنیان‌های خانواده و کاهش دعاوی خانوادگی در جامعه ایران کمک شایانی خواهد کرد.

نتیجه گیری

در نتیجه گیری موضوع بازشناسی آثار فقهی و حقوقی بطلان و فسخ نکاح در سیستم حقوقی ایران می توان به نکات زیر اشاره کرد:

پژوهش نشان می دهد که بطلان و فسخ نکاح از نظر مبانی فقهی و حقوقی تفاوت های بنیادینی دارند. بطلان به معنای نبود شرایط اساسی عقد بوده و آن را از ابتدا فاقد اعتبار می کند، در حالی که فسخ به معنای انحلال عقدی است که از ابتدا صحیح بوده است. آثار حقوقی بطلان و فسخ نکاح در زمینه هایی چون حقوق مالی (مهریه، نفقه)، حضانت فرزندان، ارث و حتی مشروعیت نسب فرزندان دارای اهمیت ویژه ای است که نیازمند شفاف سازی در قوانین موضوعه است. حقوق ایران تا حد زیادی از مبانی فقه امامیه تبعیت کرده است، اما برخی خلأها و ابهامات در قوانین موضوعه نیازمند بازنگری و هماهنگی بیشتر با فقه اسلامی است. رویه قضایی در موضوع بطلان و فسخ نکاح، به دلیل پیچیدگی های موجود، نیازمند تدوین دستورالعمل های مشخص و آموزشی برای قضات است تا تفسیر و اجرای صحیح قوانین تسهیل شود. شفافیت در تعیین آثار بطلان و فسخ نکاح می تواند از بسیاری از آسیب های اجتماعی و خانوادگی جلوگیری کند و به حفظ انسجام خانواده و جامعه کمک نماید.

منابع

- ۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۸۹.
- ۲- میرمحمد صادقی، دکتر حسین، واژه نامه حقوق اسلامی، فارسی به انگلیسی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۳.
- ۳- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، خانواده، جلد اول نکاح و طلاق، شرکت انتشار، چاپ سوم، تابستان ۱۳۹۹.
- ۴- صفائی، دکتر حسین، حقوق مدنی جلد اول، اشخاص و خانواده، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، چاپ سوم، تهران ۱۳۹۱.
- ۵- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مستند العروه الوثقی، کتاب نکاح، جلد دوم، انتشارت مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۴ ه.ش.
- ۶- حائری شاهباغ، سیدعلی، شرح قانون مدنی، جلد پنجم، انتشارات چاپخانه آفتاب، ۱۳۹۰.
- ۷- شایگان، دکتر سیدعلی، حقوق مدنی ایران، کتاب دوم در خانواده، چاپ دوم، انتشارات شرکت سهامی چاپ، ۱۳۹۹.
- ۸- صفائی، دکتر سید حسین - امامی، دکتر اسداله - حقوق خانواده، جلد اول نکاح و انحلال آن، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، آذر ۱۳۹۵.
- ۹- ابوزهره، محمد، الاحوال شخصیه، انتشارات دارالفکر العربی، ۱۳۹۶ ه.ق.
- ۱۰- بهنود، یوسف، احوال شخصیه از دیدگاه قوانین، انتشارات انزل ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۱۱- محمدعلی، شرح تبصره علامه حلی، جلد دوم، انتشارات دارالفکر، چاپ اول ۱۳۷۱.
- ۱۲- شیخ الاسلامی، سید اسعد، احوال شخصیه، جلد اول، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول ۱۳۹۰.



A Jurisprudential and Legal Analysis of the Nullity and Rescission of Marriage in Iranian Law: A Critical Assessment of Their Consequences

Solmaz Sahraei Kordkandi^۱ / Farideh Nouzadi^۲

Article Number: JHVMN-۲۶۰۶-۱۳۸۵

Abstract

Marriage holds a special position as a significant and fundamental contract within the Iranian legal and jurisprudential systems. It not only establishes a legal relationship between a man and a woman but also serves as the foundation for the family unit and social order. However, instances such as the nullity or rescission of marriage can entail various consequences for the spouses' relationship and their legal status. Nullity and rescission are key concepts in Iranian law and jurisprudence, each carrying distinct implications for the marital relationship and the rights and obligations arising from it. Nullity—resulting from a failure to meet the essential conditions for the contract's validity—renders the marital bond invalid ab initio and eliminates its effects; conversely, rescission involves the dissolution of a valid contract due to statutory or contractual defects, taking effect only from the moment the rescission occurs. This study provides a detailed examination of jurisprudential consequences (such as the status of children, inheritance, and maintenance) and legal consequences (such as the restitution of the dower and contractual repercussions), while clarifying the distinctions between these two concepts within the Iranian legal framework. The primary objective is to present a clear picture of the status and consequences of marriage nullity and rescission under Iranian law, grounded in both Sharia principles and statutory regulations.

Keywords: Jurisprudence, Law, Nullity, Marriage, Iranian Legal System.

^۱. Master's student in Private Law, Islamic Azad University, Ilkhchi Branch, East Azerbaijan, Iran. (Corresponding Author) solmazariya۱۳۸۹۱۳۵۸@gmail.com.

^۲. Master's student in Private Law, Islamic Azad University, Ilkhchi Branch, East Azerbaijan, Iran. faride.nozae۳@gmail.com.

